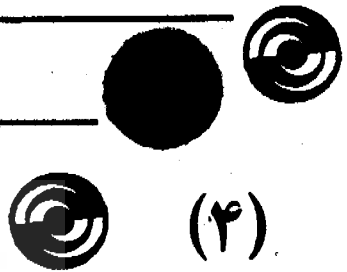


محمود ساعتچی

آغاز روانشناسی در فلسفه



روانشناسی فلسفی آلمانی در اوایل قرن نوزدهم « ژرژ هربارت »

چون فلسفه آلمان در این دوره تحت تأثیر کانت (۱) و فیخته (۲) قرار گرفته بود بهمین جهت بیشتر با مطالب منافی یکی سروکار داشت و تأثیر آن بر روانشناسی تجربی بسیار اندک بود. ولی در این میان آثار بعضی از فلاسفه آلمانی که معتقد بودند « روانشناسی باید بعنوان علمی مستقل مورد مطالعه قرار گیرد، از این قاعده کلی مستثنی بود.

شاید بتوان گفت یکی از بزرگترین فلاسفه آلمانی که نظریات او بر روانشناسی تجربی اثر گذاشت، ژرژ هربارت (۳) بود که در سال ۱۷۷۶ در الدنبورگ واقع در شمال آلمان پای به جهان نهاد. پدرش وکیل دادگستری و جدش نیز در آن شهر دارای مقامی بود. هنگامیکه در دبیرستان و دانشگاه

J, F Herbart - ۳

Fichte - ۲

Kant - ۱

به تحصیل اشتغال داشت در فراگرفتن زبان یونانی، ریاضی و فلسفه استعداد بسیار نشان داد و این سه ماده بعدها در عقاید او نسبت به آموزش و پرورش مؤثر بودند. او از سال ۱۸۰۲ بیست و هفت سال در دانشگاه گوتینگن دانشیار آموزش و پرورش بود و رساله ای بعنوان «مهمترین کار تربیت اینست که جهان را از لحاظ اخلاقی آشکار سازد» انتشار داد. کتاب بعدی هر بارت «علم و پرورش» نام دارد که در سال ۱۸۰۶ منتشر گردید و در سال ۱۸۰۹ بجای کانت باستانی فلسفه دانشگاه «گوتینگن» انتخاب شد و در اینجا نظریات او در روانشناسی بعنوان پایه آموزش و پرورش تکوین یافته. در سال ۱۸۳۵ آخرین نظریات خود را درباره آموزش و پرورش و مهمترین کتابش را بنام «رموس عقاید تربیتی» منتشر ساخت. (۱)

هر بارت در مکتب فیخته پرورش پیدا کرد و مدتی نیز به تدریس اختصاصی فرزندان یکی از حکام مجلی پرداخت. او به مسائل مربوط به تعلیم و تربیت علاقمند شد و پستالوزی (۲) را که در این مورد نظریات جلالی داشت ملاقات کرد.

نظریات هر بارت درباره روانشناسی ساده و روشن است. با اعتقاد او روانشناسی علمی است که بر تجربه، متافیزیک (ما بعد الطبیعه (۳)) و علم ریاضی مبتنی است و میدانیم که بیان چنین نظری در مورد روانشناسی در آن دوره نظر تازه ایست. هر بارت هرگز فکر نمی کرد روانشناسی بتواند یک علم تجربی بشود و نیز مطالعات فیزیولوژی را برای روانشناسی اصل لازمی بحساب نمی آورد. آنچه هر بارت معتقد بود آنستکه روانشناسی بصورت یک علم «Wissenschaft» در آید و از فلسفه و فیزیولوژی مستقل باشد.

هر بارت روانشناسی را بعنوان یک علم تجربی میدانست و معتقد بود

۱- دائرة المعارف تألیف پرویز اسدی زاده - سعید محمودی و ...

سال ۱۳۴۵ از انتشارات مؤسسه مطبوعاتی اشرقی صفحه ۵۶۳

هدف روانشناسی مشاهده همه چیزهایی است که در هشیاری (۱) می گذرد .
 ضمناً موضوع علم روانشناسی را نیز توصیف محتویات و اعمال نفس (۲) میدانست .
 بهمین جهت معتقد بود روش های تجربی برای این علم مناسب نیستند . هدف
 روانشناسی پاسخ به سئوالاتی است که درباره طبیعت (ماهیت) انسان می شود
 و سرچشمه این سئوالات نیز آندسته از مباحث فلسفی است که اساس آنها
 ماهیت دانش آدمی و رفتار اخلاقی او میباشد . هر بارت می گوید « فلاسفه
 کوشش بسیار کرده اند تا باین سئوالات با اتخاذ روش های غلط جواب
 دهند ، و روانشناسی باید از علم ریاضیات نیز استفاده کند . صفات حالات
 عقلی باید اندازه گیری شوند و روابط آنها با یکدیگر از لحاظ آماری مطالعه
 شود ، هر بارت می گفت باید این امکان وجود داشته باشد که بتوان قدرت یا شدت
 تصورات آدمی را با در نظر گرفتن روابطی که با یکدیگر دارند اندازه -
 گیری کرد .

هر بارت روانشناسی را تا آنجائیکه سروکارش با جنبه «استاتیک» و
 «دینامیک» روح (۳) است (که از اتحاد این دو حالت نیز نفس، حاصل می شود)
 با علم مکانیک مقایسه می کند . محتویات اصلی نفس ، تصورات هستند که
 بواسطه اثر متقابل آنها بر یکدیگر ، از جهت شدت یا قدرت با یکدیگر متفاوت
 میباشند . مثلاً ممکن است تصور «الف» «تصور» «ب» را منخ کند بطوریکه
 «الف» و «ب» در یک معادله با یکدیگر مربوط شوند . هر بارت معتقد بود که
 لااقل دو صفت از تصورات ما ، یعنی «زمان و شدت» آنها قابل اندازه گیری
 هستند و تصورات نیز از لحاظ کیفیت با یکدیگر متفاوت میباشند . هدف از
 مطالعه هشیاری اندازه گیری تصورات و نشان دادن عمل متقابل و دینامیک آنها
 میباشد . ضمناً از مطالعه نظریات او میتوان استنباط کرد که روانشناسی را
 بعنوان یک علم قبول دارد ولی بکار بردن روش های تجربی یا اطلاعات فیزیولوژی
 را در مورد آن رد می کند . او تصورات را مانند نیروهای فعال می دانست و

معتقد بود وقتی دو تصور بایکدیگر مغایر هستند یکدیگر را تضعیف می کنند اگر دو تصور از لحاظ شدت بایکدیگر قابل مقایسه باشند ، در اینصورت شدت خود را حفظ میکنند . هر بارت می گوید: چون تصورات ، بی شمار هستند ، بنابراین تضاد بین آنان نیز غیر قابل اجتناب است . این تصورات در آستانه هشیاری فعال باقی می مانند و تصورات ناهشیار نیز در شکل و ترکیب هشیاری مانند اجزاء دیگر هشیاری اهمیت دارند .

هر بارت نیز مانند بعضی از حکمای دیگر ادراک را مقدمه عاطفه میدانست و این حالت را قابل تحول بآن فرض نموده و می گفت «چیزی که ادراک می شود (احساس تصور) شخص آنرا با تمایلات و با اغراض خود یا موافق تشخیص میدهد یا مخالف . در صورت اول شادی و در صورت دوم غم یا کین یا خشم ... او را عارض می شود... (۱)

بسیاری از عقاید هر بارت بعداً توسط دانشمندان دیگر بصورت کاملتری بیان شد . مثلاً فیچر «مفهوم آستانه» و نیز این نظریه را که «محتوی هشیاری را میتوان اندازه گیری کرد» از هر بارت بعاریت گرفت و درباره آنها به بحث پرداخت یا این نکته را که «تصورات ناهشیار، بطور دینامیک باقی می مانند و سپس ظاهر می شوند» بعداً فروید بیان کرد .

بطور خلاصه میتوان گفت تأثیر هر بارت در آلمان ، خاصه در سال ۱۸۰۲ این بود که :

۱ - روانشناسی میتواند یک علم تجربی مستقل باشد و به مطالعه آنچه در «تجربه هشیار (۲) هست بپردازد.

۲- در مطالعه مبادی عقلی باید از ریاضیات کمک گرفت.

ضمناً تأثیر هر بارت از طریق فیلسوف معروف دیگری بنام هرمن لوتز (۳)

(۸۱- ۱۸۱۷) که شهرت او در اواسط قرن نوزدهم بسیار زیاد بود، افزایش پیدا کرد. «ادامه دارد»

۱- علم النفس یا روانشناسی از لحاظ تربیت نگارش دکتر علی اکبر سیاسی

چاپ ابن سینا سال ۱۳۴۱ صفحه ۳۵۴

۲ - Hermann Lotze - ۳ Conscious Experince - ۲